

مخاطرات نزدیکی تشکیلات خودگردان فلسطینی به قطر و ترکیه

به قلم غیث العمری (/fa/experts/ghyth-almry-0/)

۱۳ اکتبر ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/risks-palestinian-authoritys-outreach-qatar-and-turkey

العربیة (/ar/policy-analysis/mkhatr-twjuh-alsltt-alfstynyt-nhw-qtr-wtrkya/)

درباره نویسنده



غیث العمری (/fa/experts/ghyth-almry-0/)

*غیث العمری، هموند ارشد انستیتو واشنگتن و یکی از نویسندگان کتاب «خنثی سازی بشکه باروت غزه» است»



تحلیل کوتاه

حرکات اخیر که شامل مذاکرات آشتی با حماس است می‌تواند این رقیب تشکیلات خودگردان را در غزه تقویت کند به تیرگی بیشتر روابط با متحدان سنتی عرب آن بینجامد و انتخابات را به سوی نتایج بی‌ثبات‌کننده سوق دهد

اعلام توافق عادی‌سازی روابط میان امارات متحده عربی و اسرائیل در تاریخ ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ موجب شد جنب‌وجوشی در فعالیت‌های تشکیلات خودگردان فلسطینی ایجاد شود. به نظر می‌رسد این فعالیت‌ها باعث نزدیکی این تشکیلات به رقیب خود در غزه یعنی حماس و حامیان این گروه در ترکیه و قطر شده است. هدف این فعالیت‌های تشکیلات فلسطینی از نظر تاکتیکی ارسال علائمی حاکی از ناراضی‌تبی از امارات و بحرین است و ایجاد این احساس که نوعی حرکت در جریان است در زمانی که تشکیلات در انتظار نتایج انتخابات آینده ایالات متحده است. با اینهمه این گام‌ها ممکن است پیامدهای قابل توجهی داشته باشد که می‌تواند روابط پُرتنش تشکیلات فلسطینی را با متحدان سنتی عرب خود به نقطه قطع رابطه برساند دست حماس را تقویت کند و نوعی پویایی به وجود آورد که تشکیلات را مجبور کند وارد انتخاباتی شود که نتایج آن بی‌ثبات‌کننده باشد.

پس‌زمینه

اندکی پس از اعلام عادی‌سازی روابط امارات و اسرائیل رهبران تشکیلات خودگردان فلسطینی همکاری فشرده‌ای را با قطر و ترکیه آغاز کردند دو کشوری که روابط خصمانه‌ای با متحدان سنتی تشکیلات در عربستان سعودی مصر و تا حدی اردن دارند. صائب عریقات دبیرکل سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ۲۰ آگوست با محمد بن عبدالرحمن آل ثانی وزیر خارجه قطر تماس گرفت چند روز بعد در ۲۴ آگوست حسین الشیخ معتمد محمود عباس رئیس تشکیلات فلسطینی از دوحه دیدار کرد تا راه‌های تقویت حمایت قطر از جمله کمک‌های مالی برای تشکیلات را بررسی کند. عباس نیز به نوبه خود در ۲۶ آگوست با رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه تماس گرفت. یک ماه بعد در ۲۲ سپتامبر نمایندگان فتح و حماس در استانبول دیدار کردند و توافقنامه جدید آشتی را اعلام داشتند و در مورد برگزاری انتخابات پارلمانی هم به توافق رسیدند.

روابط آشتی‌جویانه با ترکیه و قطر به موازات مجموعه اقداماتی بود که موجب افزایش تنش نه‌تنها با امارات و بحرین بلکه با دیگر کشورهای عرب شد. تنش با عربستان سعودی (از طریق ارائه پیشنهادی برای محکوم کردن امارات متحده عربی در نشست وزرای خارجه اتحادیه عرب - که با ناکام ماندن آن در به دست آوردن حمایت اعراب انزوای تشکیلات خودگردان فلسطینی را آشکار ساخت) تنش با مصر

با چرخش از قاهره به استانبول برای حمایت از گفت‌وگوهای آشتی و اخیراً با اعلام «شهید» بودن دو ماهیگیر غزه که به دست نیروی دریایی مصر کشته شدند) و حتی تنش با اردن که چه‌بسا آخرین متحد عرب باقیمانده برای تشکیلات فلسطینی است (با نادیده گرفتن درخواست‌های اردن برای کاستن از سخنان ضد امارات و فعالیت‌های دیپلماتیک علیه امارات).

نیات تاکتیکی

از دید رام‌الله این حرکات یک چرخش راهبردی لحاظ نمی‌شود. عباس در انتظار نتایج انتخابات ایالات متحده در ماه نوامبر است تا راهبرد جدید خود را تدوین کند: چه همکاری مجدد با ایالات متحده از طریق تنظیم تازه‌ای از سیاست‌های ایالات متحده-فلسطین در دولت بایدن و چه یافتن راهی آبرومندانه برای برقراری تماس مجدد با دولت جدید ترامپ.

تشکیلات فلسطینی دلایل محکمی دارد که در این زمینه تغییرات راهبردی ایجاد نکند. از نظر دیپلماتیک قطر و ترکیه در طولانی‌مدت قادر نیستند جایگزین متحدان عرب و سنتی تشکیلات در زمینه حمایت مالی و سیاسی باشند. اقدامات اخیر تشکیلات فلسطینی با روش کار رئیس‌جمهور عباس منطبق است و بازتابی از روش‌های مشابه اوست که در گذشته برای وی نتیجه‌بخش بوده است. به عنوان مثال پس از انتقال سفارت آمریکا در اسرائیل از تل‌آویو به اورشلیم عباس ارتباطات خود را با اردوغان افزایش داد تا عربستان سعودی را جهت اتخاذ موضعی مستحکم‌تر تحت فشار بگذارد و پس از آن تشکیلات به مدار ریاض بازگشت.

از نظر سیاسی خصومت عباس با حماس عمیق است و علل اصلی جدایی این دو گروه – یعنی زرادخانه تسلیحاتی حماس و اختلاف آشتی‌ناپذیر در چارچوب‌های بنیادی سیاسی – همچنان سر جای خود هستند. اینجا هم این رویکرد در قبال حماس سابقه دارد. در سال ۲۰۱۷ عباس پس از موافقت با توافق برای سازش که از سوی مصر حمایت می‌شد موفق شد راه‌هایی برای جلوگیری از اجرای آن پیدا کند. در واقع علی‌رغم اعلام اخیر توافق فتح و حماس در مورد برگزاری انتخابات و در تلاش برای حفظ فضای مانور عباس تا زمان نوشتن این مطلب حکمی رسمی برای فراخوان انتخاباتی صادر نکرده است.

این مانورها به جای نشان دادن یک چرخش راهبردی دو هدف را دنبال می‌کنند: نخست هدف آنها نشان دادن نارضایتی تشکیلات فلسطینی از واکنش اعراب به توافقات عادی‌سازی روابط است که در تهدید تشکیلات به حرکت به سوی یک محور آترناتیو برای فشار به این کشورها مشهود است. دوم این مانورها ابزاری برای ایجاد تحرک سیاسی و دیپلماتیک هستند و در نهایت تا نوامبر برای تشکیلات فلسطینی وقت می‌خرند. در حیطه داخلی هدف از مذاکرات آشتی جلب رضایت مردم فلسطین است که هم از توافقات عادی‌سازی روابط خشمگین اند و هم از عدم ابتکار رهبری خود ناامید شده‌اند. علاوه بر این کسانی که مدیریت تلاش‌های هر طرف را بر عهده دارند اهداف سیاسی خاص خود را دنبال می‌کنند: جبرئیل الرجوب از طرف فتح امیدوار است که این امر وضعیت او را در رقابت برای جانشینی عباس بهبود بخشد در حالی که صالح العاروری از حماس به انتخابات داخلی جنبش توجه دارد. سقف زمانی برگزاری این انتخابات سال ۲۰۲۱ است.

پیامدهای راهبردی

اگرچه تشکیلات خودگردان فلسطینی می‌تواند اقدامات اخیر خود را صرفاً تاکتیکی تلقی کند اما نتایج این اقدامات ممکن است گزینه‌های راهبردی‌اش را به طور جدی محدود سازد و آن را در تنگنا بگذارد. از نظر دیپلماتیک در حال حاضر پایتخت‌های مهم عربی تحمل چندانی برای رهبران فلسطین ندارند. از آنجا که تشکیلات فلسطینی مبارزه شدید خود را علیه امارات و پس از آن بحرین آغاز کرده است رسانه‌های خلیج فارس – و تا حدی کمتر مصر – مملو از مقالاتی در حمله به مقامات فلسطینی است. مصاحبه طولانی و اخیر تلویزیون العربیه با شاهزاده بندر بن سلطان آل سعود سفیر سابق عربستان در ایالات متحده نشان‌های روشن از نارضایتی ریاض از رهبری تشکیلات فلسطینی بود. حتی مقامات اردنی نیز به طور خصوصی از رویکرد عباس ابراز دلسردی کرده‌اند.

در چنین شرایط نامساعدی ادامه رفت‌وآمدها به آنکارا و دوحه ممکن است رهبران عرب را وادار کند روابط خود با تشکیلات فلسطینی را بیش‌ازپیش کاهش دهند. برای عباس راهی برای بازگشت باقی نگذارند و اصولاً تشکیلات را به سمت نزدیکی بیشتر به ترکیه و قطر برانند. این وضعیت می‌تواند وخیم‌تر شود اگر ترکیه یا قطر از مسئله فلسطین برای تشدید رقابت‌های خود با عربستان سعودی و مصر استفاده کنند.

در سیاست داخلی آشتی حرکت خاص خود را ایجاد می‌کند. بدین ترتیب هرچه بیشتر این مسیر پیش گرفته شود هزینه سیاسی رها کردن آن برای تشکیلات فلسطینی بیشتر خواهد بود. این حرکت همراه با فشارهای ترکیه و قطر ممکن است آن قدر قوی باشد که عباس نتواند در برابر برگزاری انتخابات مقاومت کند. برگزاری انتخابات بدون رفع علل اصلی شکاف میان فتح و حماس – یعنی تعهد همه مشارکت‌کنندگان به راهکار دوکشوری طرد تروریسم و پرداختن به شبه‌نظامیان حماس – می‌تواند انزوای بین‌المللی فلسطینیان را عمیق‌تر کند. به همان شیوه‌ای که پس از انتخابات شورای قانونگذاری فلسطین در سال ۲۰۰۶ رخ داد.

سناریویی که چرخش تشکیلات فلسطینی را به سمت محور ترکیه و قطر ممکن می‌بیند می‌تواند مُخَل باشد. هر دو دولت از نزدیکان

حماس هستند. قطر حامی اصلی مالی حماس در غزه است - نقشی که اسرائیل برای جلوگیری از فروپاشی انسانی و امنیتی در نوار ساحلی به آن اجازه داده است - و میزبان برخی از رهبران آن است. ترکیه از این جنبش پشتیبانی سیاسی می‌کند و گفته می‌شود تا آنجا پیش رفته که به برخی از اعضای حماس پاسپورت ترکیه اعطا می‌کند. به علاوه چنین چرخشی می‌تواند تأثیر تعدیل‌کننده متحدان سنتی تشکیلات فلسطینی را تضعیف کند. از دست دادن حمایت‌های مالی اعراب بحران اقتصادی در کرانه باختری را تشدید می‌کند و به نوسانات بیشتری منجر می‌شود. علاوه بر این ورود مجدد حماس به تشکیلات فلسطینی نه تنها موجب انزوای بین‌المللی تشکیلات می‌شود بلکه می‌تواند به همکاری‌های امنیتی فلسطینی و اسرائیلی - که دلیل اصلی ثبات نسبی امنیت در کرانه باختری است - پایان دهد و موجب نگرانی اردن شود. اسرائیل پیش از این در مورد پیامدهای بازگرداندن حماس به کرانه باختری به تشکیلات فلسطینی هشدار داده است.

برای جلوگیری از این پیامدها پایتخت‌های مهم عربی - در وهله اول امان قاهره و ریاض - باید پیام روشنی به رام‌الله درباره هزینه مسیر فعلی آن ارسال کنند و در عین حال با تشکیلات فلسطینی به شیوه‌هایی همکاری کنند که این تشکیلات بتواند از گرایش جدید عادی‌سازی روابط بین اعراب و اسرائیل بهره‌مند شود. اردن و مصر به طور جداگانه نگرانی‌های خود را به اطلاع رام‌الله رسانده‌اند اما با تأثیر اندک و این نشان می‌دهد دو کشور نیاز به رویکردی هماهنگ دارند. اردن با توجه به رابطه خاص با تشکیلات فلسطینی و اهرم‌هایی که در دست دارد می‌تواند نقش اصلی را در مدیریت مبادله پیام‌ها بازی کند اما این کار را فقط با حمایت عربستان و مصر می‌تواند انجام دهد.

کاری که ایالات متحده بتواند مستقیماً برای تأثیرگذاری بر این تکاپو انجام دهد بسیار اندک است زیرا تشکیلات فلسطینی در اعتراض به سیاست‌های دولت ترامپ خصوصاً سیاست‌های مربوط به اورشلیم تمام تماس‌های خود را با دولت آمریکا قطع کرده است. ایالات متحده هم به نوبه خود کمک به فلسطینیان را قطع کرده و نمی‌تواند از اهرم کمک مالی استفاده کند. در عوض واشنگتن باید به طور خصوصی متحدان منطقه‌ای خود را به اتخاذ یک رویکرد هماهنگ ترغیب کند.

* غیث العمری هموند ارشد انستیتو واشنگتن است. ❖

RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Iran Takes Next Steps on Rocket Technology

فوریه ۲۰۲۲ | ۱۱

◆
Farzin Nadimi

(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology)



Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

فوریه ۲۰۲۲

Simon Henderson

(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

فوریه ۲۰۲۲

Matthew Levitt

(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule)

TOPICS

(/policy-analysis/rwabt-rb-w-asrayyl/) روابط عرب و اسرائیل

(/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/) عرب و اسلام سیاسی

(/policy-analysis/syast-amryka/) سیاست آمریکا

(/policy-analysis/fraynd-slh/) فرایند صلح

REGIONS & COUNTRIES

(/policy-analysis/flstynyha/) فلسطینی‌ها

(/policy-analysis/khawrmyanh/) خاورمیانه

(/policy-analysis/trkyh/) ترکیه

(/policy-analysis/kshwrhay-hashykhlyj-fars/) کشورهای حاشیه خلیج فارس